

اسلام، اسلام است

روسای جمهوری
آمریکا، نمایندگان
واقعی خود
نیستند!

اغلب می‌شنوید که می‌گویند: «اسلام
نظامی دموکراتیک است» این حرف از نیمه
دوم قرن نوزدهم بارها تکرار شده است
خصوصاً این روزها که غالب دوستان
نادان مثلاً گروهی که با ایدئولوژی‌های
دیگر بیشتر آشنائی دارند در عیوبه بحثها
آنجا که به تنگنای رسد این را دستاویز

قرار داده خود را نجات می‌دهند .

حال به گذشته برمی گردیم ناپینیم این
کاراگر نه به این صورت اما باین محتوی
در تاریخ سابقه دارد ، یانه ؟

۱- وقتی کمونیسم بصورت قدرت روز
مطرح شد ، بعضی از مسلمانان آنرا درست
ناویلی توین از اسلام دانستند .

۲- هنگامی که دیکتاتوری ، نظام روز
شد، گروهی دیگر گوش به «ندای گذشته
دادند» که: «دست بر سینه پیش امیر بودن»
را اعلام می کرد ومدعی شدند که سازمان
اجتماعی اسلام از بیخ و بن متکی بر دیکتاتور
است !

۳- افرادی نیز وجود داشتند که به
واسطه تعصب و شدت علاقه و ناآگاهی
به منظور آنکه بخیال خود به اسلام خدمت
کنند همیشه وباتسام وجود می می کنند
این نکته را ثابت نمایند که اسلام در ذات
خود همه روندهای اجتماعی و سیاسی مؤثر
بر افکار انسانها را در بردارد .

۴- حالاهم برخی دیگر از این گونه
اشخاص اسلام را بادموکراسی یکی دانسته
و این دو را بهم مربوط می دانند (توضیح
اینکه نظام اجتماعی اسلام در زمینه های
مهم و مشخصی بظاهر شبیه دموکراسی
است) .

کسانی که در این باره سخن گفته اند اصلا
اسلام را نشناخته اند .

اسلام یک مجموعه درهم ریخته از افکار
پراکنده و روشهای رفتاری نامربوط نیست
لطفاً بقیه را در صفحه ۴۰ مطالعه فرمائید

بلکه سیستمی بسیار منظم و کلیتی پیوسته است که بر مجموعه معینی از اصول روشن و مشخصی استوار می‌باشد. عقاید عمده و همچنین قوانین رفتاری مشروح آن هم از اصول اساسی این دین مشتق شده و از نظر مدنی به این اصول مربوط است همچنانکه ریشه‌های یکدست از دانه منشأ گرفته و سبب رشد یافته می‌شود، درخت اسلام هم

(مجله سروش شماره ۳۸)

* * *

حکومت مردمی ایران و دموکراسی نمایشی آمریکا از زبان آمار!

روسای جمهوری آمریکا، نمایندگان واقعی ملت خود نیستند!

بسیاری از مردم تصور می‌کنند که در کشورهای متحده آمریکا واقعاً دموکراسی و حاکمیت مردم برقرار است و انتخاباتی که منظور برگزیدن رئیس جمهوری کشور ایالات متحده آمریکا برگزار می‌گردد دلیل بر شرکت وسیع مردم در امور کشور و نشانۀ رضای افکار عمومی آمریکاست، در حالی که حقیقت غیر از این است.

«جیمز روستون» طی مقاله‌ای که در روزنامه «نیویورک تایمز» نوشته از عدم توجه و علاقه مردم آمریکا شرکت در انتخابات، و نیز از سقوط دموکراسی در این کشور، برده برداشته است وی در این زمینه بعنوان نمونه، آمارهایی از انتخابات

این کشور ارائه کرده است که به تراز زیر است:

در هر چهار سال که انتخابات ریاست جمهوری در این کشور برگزار می‌شود، نسبت شرکت انتخاب کنندگانی که واجد شرایط هستند، کاهش می‌یابد. مثلاً در سال ۱۹۶۰ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ۶۳٫۸٪ واجدین شرایط، شرکت کرده بودند در صورتی که این رقم در انتخابات سال ۱۹۷۶ به ۵۴٫۳٪ کاهش یافت و ۷ میلیون نفر از مردم آمریکا که واجد شرایط رأی دادن بودند، از دادن رأی خودداری ورزیدند.

کمیت‌های که از طرف یک جمعیت نیکو-

مردم به ویژه مردمان فقیر و کم‌سواد گسترش یافته است.
(مجله المجتمع سال ۱۰ شماره ۴۶۶ چاپ کویت)

مکتب اسلام

آمار بالا بخوبی نشان می‌دهد که زمامداران آمریکا تا چه حد از پشتیبانی مردم، بی‌بهره‌اند، مردمی که رؤسای جمهوری آمریکا همیشه بنام آنان سخن می‌گویند ولی مرکز نمایندۀ واقعی آنان نیستند. مردم آمریکا که شاهد سیاستهای استعماری و جنایتکارانه زمامداران خود هستند با خود داری از شرکت در انتخابات در واقع نفرت خود را از این روش ضد انسانی پراز می‌دارند. نگاهی به میزان شرکت کنندگان در همه

برسی‌ها و انتخابات گذشته در ایران تفاوت این دو را بخوبی نشان می‌دهد، و حکایت‌ساز

پشتیبانی عمیق مردم از دولت و قانون اساسی می‌نماید هم‌مشاهد بودیم که در رأی‌گیری

به نظام جمهوری اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان و قانون اساسی ۹۸٪ مردم

و گاهی بیش از این تعداد، شرکت نمودند و در انتخابات ریاست جمهوری در حدود ۷۵٪ انتخاب کنندگان یعنی بیش از ده میلیون

نفر از کل چهارده میلیون نفر رأی دهنده به رئیس جمهوری کنونی رأی دادند (یعنی تقریباً نیمی از کل واجدین شرایط رأی‌در

سراسر کشور) و این، بزرگترین قدرت در پشت سر رئیس جمهوری است که با تکیه بر آن می‌تواند در تمام انقلاب، با برقراری

رویارویی کند و بی‌شکلات پیروز گردد. امید است با اجرای برنامه‌های انقلابی و بنیادی دولت، میزان رأی دهندگان و مشارکت مردم، در هر دوره افزایش یابد

کاری به منظور اصلاح انتخابات آمریکا تشکیل یافته بود، ملاحظه کرد که وضع شرکت مردم در انتخابات مجلس سنای آمریکا که بعد از سال ۱۹۷۰ برگزار گردید، از این هم بدتر است زیرا تعداد صد میلیون نفر از انتخاب کنندگان واجد شرایط در انتخابات شرکت نکرده بودند.

در سال ۱۹۷۶ از ایالت زادگاه جیمی کارتر، فقط ۲۸٪ مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نموده بودند. فرماندار ایالت نیوجرسی در انتخابات مجددی

که در سال ۱۹۷۷ برگزار شد، و در آن به پیروزی رسید توانست کمتر از ۱۵٪ آرای واجدین شرایط انتخاب را بدست آورد و فرماندار نیویورک کمتر از ۱۲٪ آرای

واجدین شرایط را بدست آورد. «هنری جکسون» در انتخابات

مدمالی ریاست جمهوری در نیویورک کمتر از ۶٪ آرای واجدین شرایط را جلب نمود!

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که علت این عدم تمایل مردم آمریکا به شرکت در انتخابات چیست؟ کمیت‌های که از طرف

جمعیت نیکوکاری مزبور تشکیل شده بود علی‌رآ در این زمینه معرفی کرده است که از جمله عبارتند از: عدم اعتماد سیاسی مردم

به نامزدهای انتخاباتی، کاهش رغبت و علاقه مردم به احزاب، احساس عدم

توانایی در ایجاد کوچکترین تغییر و تحول در وضع کشور از طریق شرکت در انتخابات و این احساس، در سطح بسیار وسیعی از